



برای هفته های آینده وصیت نامه خود را تنظیم کنید. واکسن ایرانی حالا حالاها ساخته نمی شود.

KHATSHE

و هزار لرتو  
ضربگر لرتو

# خطبه

نچار: ایران دهمین کشور پر حادثه جهان است  
سایپا: به اون ۹ تا کشور دیگه هم خودمون پراید صادر کردیم

شماره ۱۰۲ | ۴ بهمن ماه ۹۹ | خبرگزاری ایمن

## احتمال بروز موج جدید کرونا در اصفهان در نیمه بهمن ماه

برخی از اصفهانی ها:  
خب الحمدالله ما اون موقع شمالیم

### مکان سازی شهری چیست؟

جوانان این مرز و بوم:  
هرچی هست خیلی به کارمون میاد

### سلطانی فر:

حداکثر هزینه تیم های فوتبال کمتر از ۱۰۰۰ میلیارد تومان است  
وی افزود: یعنی از یه اختلاس جزئی هم کمتره

درآمد نجومی اینفلوئنسر ها

چرتکه



کار تونیست: حامد بذرافکن

### افاضات آقای خطبه ای

با توجه به شورش های اخیر آمریکا کم کم داریم متوجه می شوید که وقتی ما می گوییم این آمریکایی های فلان فلان شده خیر نمی بینند دقیقا از چه حرف می زنیم. حالا هر چقدر هم وضعیت اقتصادی مردم شان خوب باشد و در صنعت و دیگر زمینه ها حرف اول را بزنند باز هم به نظر من مهم امنیت است. این ناامنی ها هم به دلیل رقابت شدید بین نامزد هاست که بحمدالله در ایران نامزد ها اصل رقابت را کنار گذاشته و پایه رابرفاقت نهاده اند. چون هر اتفاقی بیافتد برای آنها دوسر برد است حتی اگر فقط یک سر داشته باشد.

### نیاز قندی ها

«استخدام يك مجری برای صداوسیما»  
تست حضوری بی مزه ترین انتخاب خواهد شد

به تعدادی دزد باقیافه  
سوسولی نیاز مندیم  
«يك سایت شرط بندی»





فالت  
بگیرم

«بسیار سفر باید تا پخته شود خامی»  
جان تو در آید تا پرداخت شود وامی

روحانی: هدف دولت تهیه تامین و ساخت یک واکسن مطمئن است



وقتی به مرحله  
علی برکت... رسید  
چنان رونقی میدیم  
که مرحله گشایش  
و تزریق سریع  
انجام بشه

«روزی است خوش و هوانه گرم است و نه سرد»

رفتیم برای بازی شهر آورد

آن لحظه که از حریف مان گل خوردیم

خندید به ما مربی اش گفتم: دردا!

گفتند به ما میوه فراوان بخورید

آن را جهت حفاظت از جان بخورید

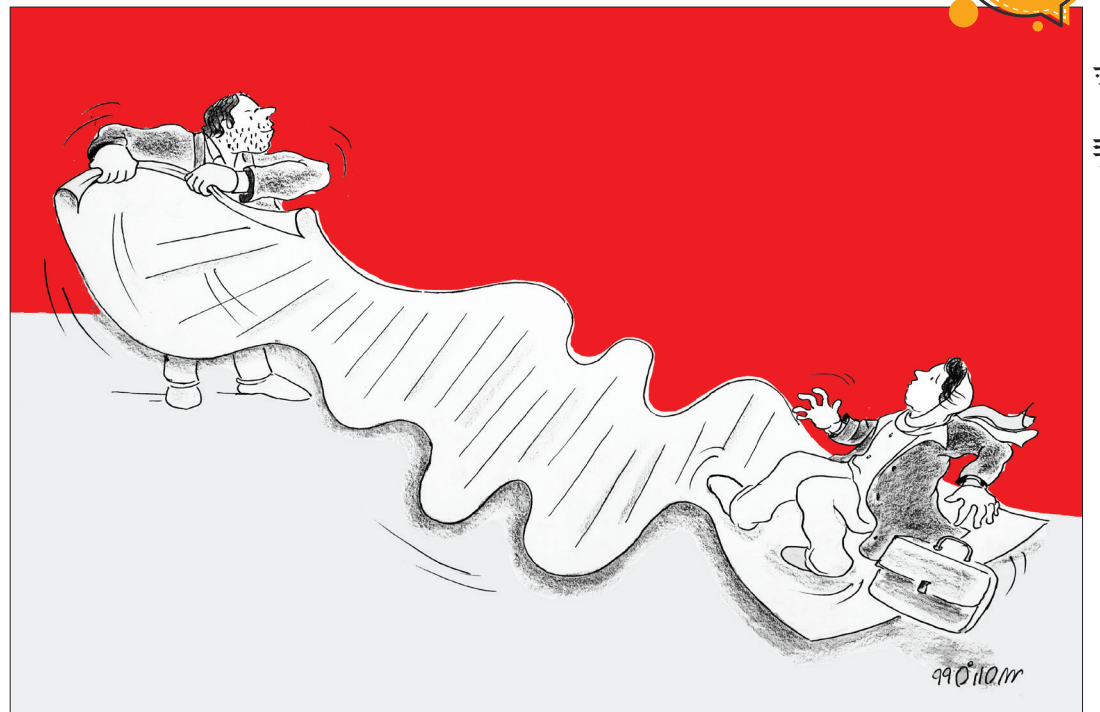
گفتیم که ما به نان شب محتاجیم

گفتند که روز، میوه بانان بخورید!

علیرضا یعقوبی

فرهنگ  
منشوری

حق مشارکت در تعیین سر نوشت



سمانه روح الهی

اضافات  
آقای خطشای

ساعت هشت رفتیم مهمونی. سریع شام آوردند  
گفتند نگرانیم که ساعت ۹ بشه و ماشین تون رو  
جریمه کنن. گفتم فکر اونجاش رو هم کردیم.  
از جیب کاپشنم پیژامه رو در آوردم. گفتند البته  
قدمتون روی چشم ولی تا ساعت چهار صبح  
اذیت میشین بیدار بمونین. دست کردم توی  
کیف عیال و متکای سفری رو در آوردم. گفتند  
آخه خونه یه خوابه، خودتون اذیت میشین.  
اشاره کردم به تخت دونفره داخل اتاق و گفتم:  
همون تخت رو بدید ما کافیه.

هیچی دیگه... ساعت ۱۰ با ماشین خودش ما رو  
رسوند خونه و جریمه هم شد. الان هم منتظرم

بیاد دنبالم برم ماشینم رو از در خونه شون

بردارم. مردم چقدر

بی عاطفه شدند...



آثار طنز و کارتون های خودتان را

برای ما ارسال کنید

[khatshe.imna.mag@gmail.com](mailto:khatshe.imna.mag@gmail.com)